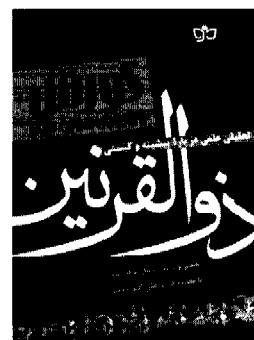


کیسته ذوالقرین

مقدمه

در تعریفی هویت ملی عبارت است از به دست آوردن خودآگاهی ملی. بخشی از قدرت هر کشوری، خودآگاهی ملت آن نسبت به پیشینه، تاریخ و فرهنگ ملی خود می‌باشد. معرفت تاریخی به عنوان دانشی که پیوند عمیقی با شناخت گذشته‌ی فردی و اجتماعی یک جامعه دارد، بخش مهمی از هویت و اصالت ملی جامعه را شکل می‌بخشد و چنانکه می‌دانیم دانشی که مدعی توأم‌نامدی برای شناخت گذشته‌ی اجتماعی انسانی است، تاریخ است، ملت‌ها خواهان جاودانگی و تداوم وجود و حیاتشان در ازای تاریخ هستند و تاریخ‌نویسی که بازتاب دهنده‌ی تأییدات و ستایش‌های مردمی و اعاد و عناصر مختلف وجود و خود آدمی است، به این جاودانگی عینیت می‌بخشد. وقتی افراد یک جامعه از پیشینه‌ی تاریخی، مشخصه‌های دینی و فرهنگی خود آگاه شوند، به هویت جمعی دست می‌باشد. هویت ملت یا قوم به خودی خود معنا ندارد بلکه در مقایسه و مقابل دیگری مطرح می‌شود. جمعیت، فرهنگ، انسان، اجتماع، سرزمین و تاریخ شاکله‌های اساسی هویت ایرانی‌اند. در بیان نقش ساکنان این خطه در شکل‌گیری هویت، به حضور و استمرار تاریخی باید بسیار بها داد. «فوایم ایرانی»، که این گونه اطلاق کردشان فraigیری تاریخی پیدا می‌کند، در حقیقت از قریب ۲۷۰۰ سال پیش که پایه‌گذاری دولت ماد آغاز شد، بی‌این که دچار وقفه‌ای اساسی شوند، همه‌ی سازوکارها و نهادهای وابسته به خود را به دولت هخامنشی تحويل دادند و زمینه‌ساز پیدایش نخستین امپراتوری بزرگ جهانی شدند و به تجارت ذی قیمتی ازباب درک هویت ملی خویش نائل آمدند. یکی از ویزگی‌های فرهنگی هویت ایرانی، قهرمان دوستی است. در تعریفی کلی قهرمان کسی است که نماینده‌ای اخلاقی برتر و از ضعف‌های روزمره و پلیسی‌ها به دور و خواهان خیر و صلاح مردم و مملکت خود است و عصر حیاتش دوران طلایی روزگار ایران و مرگش به طور عمدۀ شهادت‌گونه است، هیچ‌گونه خلاف و ترک اولای مذهبی، اخلاقی و اجتماعی را نمی‌توان بدو نسبت داد. گاه زندگی‌اش سرشار از خوارق عادت است، انجام اموری فراتر انسانی همواره با زندگی‌ای افسانه‌ای برای او تصور می‌شود. پس از زوال کالبدی نیز بیش از هر فرد زنده‌ی حاضری ملموس و محسوس است. از طهارت و قداست ظاهری و تقسی مکتوم در فضای روحانی جامعه برخوردار است. مژهای تعلق را شکسته و بدرا، مادر، برادر و خواهر همه‌ی مردم و مهترهمگان و کهتر همگان است. دارای چهره‌ای مردمی و حافظ ناموس ملی است و می‌تواند چهره‌ی محظوظ و مانوس تاریخی خود را برای همیشه حفظ کند و در زمرة‌ی می‌مرگان

- انيس سجادی
الشنجوي تاریخ دانشگاه شهید بهشتی تهران



- کورش و بازیابی هویت ملی، تحقیقی علمی درباره‌ی پیشینه و کیستی ذوالقرین
- تحقیق و تأییف: جلیل عرفان منش با مقدمه‌ی دکتر علی ولایتی
- تهران: انتشارات فرهنگ مکتب، ۱۳۸۸، تعداد صفحات: ۶۳۰



پاسارگاد، مقبره کورش

مغrib و شمال قلمرو خود دارد و ساختن سدی آهنه برای جلوگیری از تهاجم اقوام وحشی، می پردازد.

در فصل اول - به این موضوع که ذوالقرنین در هویت ملی ایرانیان نقش مهمی دارد و بیشنه و پیچیدگی کیستی ذوالقرنین پیرامون ^۴ نظریه یونانی - ایرانی، یونانی - یونانی، یعنی - عربی و ایرانی - ایرانی پرداخته می شود.

در فصل دوم - به چگونگی ذکر ذوالقرنین در قرآن و قائل شدن ویزگی های چون یکتاپرستی، عدالت خواهی، دفاع از حقوق ستم دیدگان، وجود اقوام پاچوج و مأجوج و مکان سدی که ذوالقرنین به خواست مردم آن ناحیه برای جلوگیری از تهاجم این اقوام ساخته، پرداخته می شود.

در فصل سه - نظریه یونانی - ایرانی پیرامون مصدق تاریخی ذوالقرنین یعنی اسکندر مقدونی از دیدگاه ابن سینا، طبری، یعقوبی، دینوری، بلعمی، ابوبکر عتبیق سورآبادی، ابن بلخی، امام فخر رازی، ابن اثیر، حمدالله مستوفی، ابن کثیر، میرخواند و خواندمیر و... بیان می شود.

در فصل چهارم - منشأ نظریه یونانی - یونانی پیرامون ذوالقرنین بودن اسکندر، روایت منون کهن پارسی از او به پلیدی، روایات منفی حمزه اصفهانی، ابن ندیم، ابن سکویه، مسعودی، گردیزی و طرطوسی و چگونگی افسانه پردازی پیرامون اسکندر مطرح شده است.

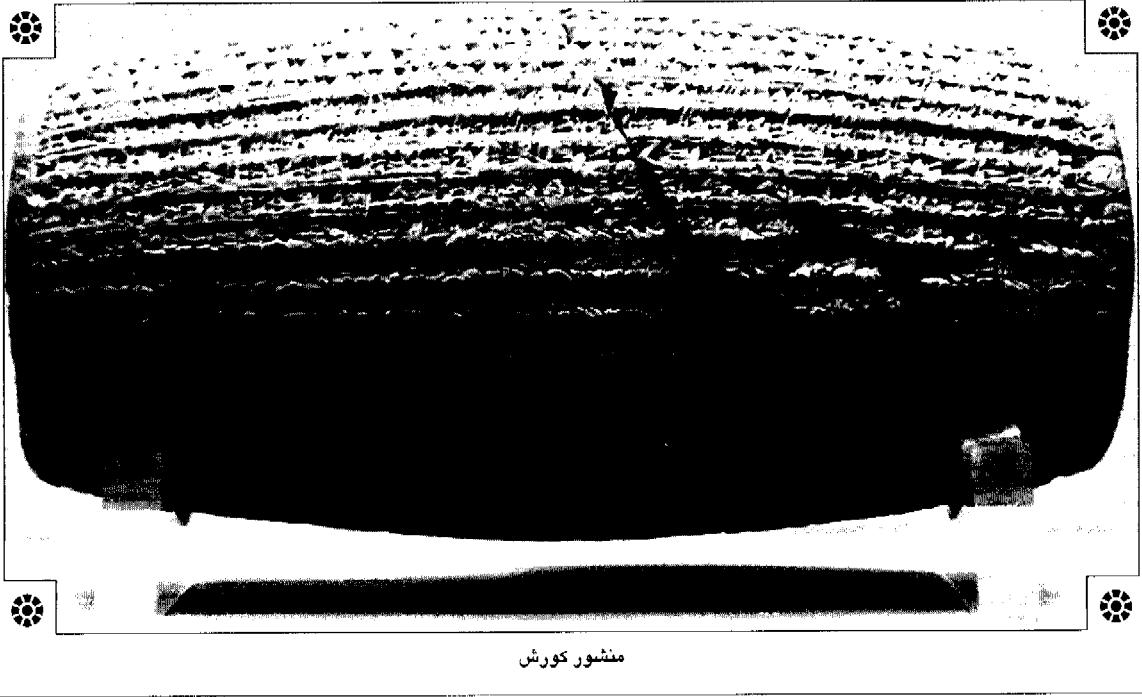
در فصل پنجم - فرآیند ایرانی و اسلامی شدن روایات اسکندر با توجه به پیوند روح ملی و دینی در روایات کهن ایرانی، همسان سازی روایات کهن ایرانی با اصول اعتقادی پس از زرتشت و دوران اسلامی، روح ملی و بیگانه سنتیزی از روایات کهن ایرانی، پدیدهی اسناد به خود و خودی کردن شخصیت های تاریخی و افسانه ای با درنگی در فرآیند ایرانی و اسلامی شدن روایات اسکندر در آثار مورخان و سخن سرایان دوران اسلامی با مطرح کردن این مساله که این نوع تاریخ نگاری (هر چند غیرواقعی) با این هدف انجام شده تعلالوه بر پیوستگی میان سلسله های پادشاهان ایرانی، هوشمندانه حاکمیت غیر ایرانی بر

بخشی ماندگار از هویت ملی برای ملت خود باشد. این ویزگی ها، اموری است که امروزه در ایران نسبت به کورش تداعی می شود، چراکه در زندگی تاریخی خود توانسته بود این احساسات را در ملل تابعش نسبت به خود ایجاد کند و تمامی صفات اخلاقی قهرمانان گونه را در خود پدید آورد. پس می توان کورش را یکی از قهرمانان ملی ایران و شخصیتی هویت بخش برای تمامی اعصار معرفی نمود که از نظر گرگنون به نمونه ای اعلای حکمرانی افلاطونی تطاوی داشت و نه تنها برای عصر خود و مردمی که از میان آنان برخاسته بود، بلکه برای ملل و مردم و اعصار دیگر نیز توجه به وجود چنین کسی را اواجب شمرده است.

کورش شهریاری بود که در سایه ای سه گانه تیار سلطنتی خویش، تأیید مردم و اونکا به یک قدرت الهی طبیعی شروع به جهانگشایی کرد و از ناهید تا مهر، از مهر تا مردوک راه سپرده بود تا سرانجام به سلطنت متعالی اهورا مزا رسیده و راه را برای یکتاپرستی (چنان که درباره ذوالقرنین در قرآن گفته شده) در قلمروش گشوده بود.

معرفی کتاب

کتاب حاضر، نوشتہ جلیل عرفان منش اثری است که با محوریت طرح موضوع ذوالقرنین در قرآن به پژوهش در زمینه مصدق های تاریخی گوناگون ذکر شده از سوی مورخان و مفسران از گذشته تا کنون برای این شخصیت پرداخته است. کتاب شامل یک مقدمه و دوازده فصل پیرامون موضوع مورد بررسی است که با روایات یهود و عهد عتیق از خواب دیدن دانیال نبی و طرح سرنوشت ذوالقرنین در آیات ۸۳ تا ۹۷ سوره های گوناگون پیرامون مصدق تاریخی این شخصیت و سپس به بیان نظریه های گوناگون پیرامون مصدق تاریخی این شخصیت و ارزیابی آن نظریات و فرد معرفی شده به عنوان ذوالقرنین از نظر ویزگی های ذکر شده برای ذوالقرنین چون یکتاپرستی، عدالت خواهی، افسانه پردازی که به مشرق،



منشور کورش

هخامنشی مطرح می‌شود و سپس نظریه‌ی ذوالقرنین بودن کورش هخامنشی بر اساس نظریه‌های سر سید احمد خان هندی، ابوالکلام ازاد، علامه طباطبایی و آیت الله مکارم شیرازی، روایات عهد عتیق و کشف نقش بر جسته‌ی کورش در دشت مر غاب که به توصیفات دانیال بنی مطابت دارد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس به بیان دلایل فراموشی نام کورش از ذهن مورخان و مفسرانی که در گذشته در صدد تطابق زندگی یک شخصیت تاریخی با ذوالقرنین قرآنی بودند، پرداخته شده و صفات اخلاقی، سفرها و لشکرکشی‌های کورش و مکان دیوار آنهایی داریال و ذکر خصوصیات اقوام سکاها و سیاست مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در فصل یازدهم - امور ذکر شده در قرآن پیرامون ذوالقرنین با زندگی کورش هخامنشی مطابقت داده می‌شود.

و سرانجام در آخرین فصل، اطلاعات مختصر و مفیدی پیرامون کورش، آثار معماری و سنگنیشته‌های هخامنشی، دین و مذهب و آیین زرتشت، اوستا، خط و زبان‌های باستان و تاریخ سلوکیان و اشکانیان تحت عنوان «یادداشت‌ها و پیوست‌ها» اورده می‌شود. در پایان نیز فهرستی از نمایه‌ها و چهارصد منبع و مأخذ مورد استفاده در تدوین کتاب ذکر می‌شوند.

نقد و نظر

نوسنده سعی بر آن داشته تا ضمن ۱۱ فصل موضوع خود را بررسی کرده و با اضافه نمودن یک فصل به عنوان «یادداشت‌ها و پیوست‌ها» اثر خود را به ۱۲ فصل برساند، حال آنکه می‌توانست ۲ فصل نخستین را در یک فصل آورده و سپس در یک فصل به بیان نقش ذوالقرنین در هوتیت ملی ایرانیان و اشارات قرآنی به این شخصیت پیرداد و سپس نظریه‌های یونانی - ایرانی و یونانی - یونانی پیرامون ذوالقرنین بودن اسکندر را در یک فصل مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و نظریه‌های عربی - یمنی و ایرانی - ایرانی را نیز طی یک

سرزمین ایران را نفی و انکار کند تا غرور ملی خود را حفظ کرده باشند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در فصل ششم - منشاً روایت‌های اسکندر ذوالقرنین در متون ایرانی و اسلامی، افسانه‌پردازی‌های یاران وی و داستان پردازان تاریخ در فرهنگ یونانی و غربی چون آریستو بول، بطلمیوس، کلیتارک، کالیسین، کالیستن معرفی شده و این روایات ضعیف و تخریب شده توضیح شده و مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در فصل هفتم - به افسانه‌ی اسکندر با توجه به روایات کالیستن، اومنس، بی تن، دیوگتیس، بطلمیوس، آریستوبولوس، اومنس کریستن، اخ واریان، کنت کورث، روایات دروغین از زندگی وی و تعدد اسکندرنامه‌ها و روایات متناقض فرونوی از اسکندر و روایات مثبت ناظمی از شخصیت وی پرداخته می‌شود.

در فصل هشتم - با طرح این پرسش که «آیا اسکندر ذوالقرنین است؟» به رد این نظریه با توجه به گفته‌های علامه طباطبایی، زندگی حقیقی اسکندر در گذرگاه تاریخ، وی آمیخته‌ای از دیوانگی المپیاس، خرد فیلیپ و تعالیم ارسسطو معرفی شده و علمت بزرگ‌نمایی پیروزی‌های وی، مقاومت ایرانیان و نقش افسانه‌ی اسکندر در تخریب هویت ایرانی در جهان امروز، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در فصل نهم - به بیان نظریه‌ی عربی - یمنی پیرامون ذوالقرنین پرداخته می‌شود که در آن به ذوالقرنین بودن شمر یرعش از ملوک حمیری یمن از نظر حمزه‌ی اصفهانی و ابوريحان بیرونی، مصری - یونانی بودن اسکندر مقدونی از نظر ابوالفرج ابن عربی، ذوالقرنین بودن صعب بن ذی مرائد از ملوک حمیری یمن از نظر مقریزی و عرب - یمنی بودن و از ملوک حمیر بودن ذوالقرنین بدون نام بردن از شخصی خاص از نظر شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر و شهرستانی، اشاره می‌شود.

در فصل دهم - نظریه‌ی ایرانی - ایرانی پیرامون ذوالقرنین مورد بررسی قرار می‌گیرد، ابتدا نظریه‌ی طاهر رضوی پیرامون ذوالقرنین بودن داریوش اول

ذوالقرنین

نویسنده علت ایرانی و اسلامی شدن اسکندر را در روایات مورخان و مفسران ایرانی، به خاطر حفظ غرور ملی در مقابل شکست تأسفبار از قوای اسکندر مقدونی و بعدها خودی کردن وی برای جلوگیری از احساس حقارت سلطه‌ی بیگانه بر ایرانیان، می‌داند

نه برای شاه. «فتح‌نامه‌ی بابل» که از آن به «منشور حقوق بشر کورش» یاد می‌شود، می‌تواند نشان دهنده راه حقیقی حکمرانی کورش و تمایز کننده‌ی وی از تمام هم‌عصران وی باشد و به عنوان مبنای برای رفتار طبقه‌ی حاکم با مردم در نظر گرفته شود؛ ولی متأسفانه در این اثر به این منشور جز اندکی توجهی نشده. حال آنکه گفته‌ی کورش در این منشور خود نشان دهنده دو ویژگی ذوالقرنین است یکی یکتاپرستی، عدالت‌خواهی و دفاع از حقوق ستمدیدگان و دیگری سفری که وی به بابل (شرق) داشته است.

مورود دیگری که جای بررسی دارد، باور نویسنده در رابطه با علت ایرانی و اسلامی شنید اسکندر در روایات مورخان و مفسران ایرانی در گذشته است. نگارنده علت را در این می‌داند که این موضوع به خاطر حفظ غرور ملی در مقابل شکست تأسفبار از قوای اسکندر مقدونی و بعدخواهدی کورش وی برای جلوگیری از احساس حقارت سلطه‌ی بیگانه بر ایرانیان بوده است. این مورد قابل قبول است اما آنچه که اهمیت دارد این است که ایرانیان در مواجهه با بیگانگانی که، مغلوبشان کرده‌اند، همواره سنتی را در پیش گرفته‌اند. سازش ایرانیان و پذیرش وجود فرهنگی بیگانه و اختلاط آن با ارزش‌ها و فرهنگ درون جامعه‌ی ایرانی امری است که همیشه تداوم داشته است. با ورود به عرصه‌ی جهانی شدن پرسش از کیستی ایرانیان دیگریار اهمیت روزافزون پیدا کرده است و باورهای باستانی می‌تواند یکی از ابعاد هویت سیاسی و ملی ایرانیان را در جهان کنونی شکل دهد.

منابع

- حسن زاده، اسماعیل. «تاریخ نگاری ایرانی و هویت ایرانی». کتاب ماه تاریخ و چهارفایی. ش. ۱۴۴. اردیبهشت ۸۹ ص ۱۰ - ۲.
- حمیده‌امدی و کاووهی بیات. «هویت ملی و تاریخ نگاری». کتاب ماه تاریخ و چهارفایی. ش. ۱۴۴. اردیبهشت ۸۹ ص ۱۷ - ۱۰.
- مجتبی‌زاده پیروز. «هویت ملی و تاریخ نگاری (بحثی در اهمیت مطالعه‌ی تاریخی پیبدی‌ای اصلی در چهارفایی سیاسی)». کتاب ماه تاریخ و چهارفایی. ش. ۱۴۴. اردیبهشت ۸۹ ص ۱۸ - ۲۳.
- شعبانی، رضا. ایرانیان و هویت ملی. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی. ۱۳۸۵.
- اسرائیل، زیارت. کورش بزرگ. ترجمه‌ی مرتضی ثاقب فر. تهران: انتشارات ققوس. ۱۳۸۰.
- اندیشه‌ی اجتماعی. دکتر جلیل عرفان منش. حفظ پیوندهای فرهنگی. (کد مطلب ۱۰۹۴۶۷) / زمان انتشار ۲۲ خرداد ۱۳۸۹

فصل بیاورد و اثر خود را در ۵ بخش ۲ فصلی، ۶ فصلی، ۱ فصلی، ۲ فصلی و ۱ فصلی عرضه کند.

از جمله ایرادات دیگری که می‌توان بر این کتاب وارد کرد، اطناب بسیار مؤلف در بیان مقصد است که در جای جای اثر به صورت تکرار جملات و موضوعات با تشریح کردن فراوان مشاهده می‌شود. جز این می‌توان به پاره‌ای اشکالات تایبی موجود اشاره کرد. در جایگاه نقد موضوعات مطرح شده در این اثر می‌توان به این مسأله اشاره کرد که نویسنده در هیچ بخشی از اثر خود به درستی به عنوان کتاب که «کورش و بازیابی هویت ملی» است، اشاره‌ای ننموده و ذکر نکرده که چه ارتباطی میان این شخصیت و هویت ملی ایرانیان وجود دارد. از نظر مؤلف شاید ذوالقرنین بودن کورش به عنوان جزئی اساسی از هویت ملی ایرانیان باشد اما آنچه که همواره درباره‌ی وی بیان شده این است که کورش به عنوان یک شهریار نیک که رفتار و برخوردهای با ملل تابعه بسیار خوب بوده و حفظ صلح و رفتاری فراز از حاکمان هم عصر خود در هنگام غلبه چون عدم تحقیر ملل مغلوب و جلوگیری از قتل، کشتن و غارت، برای وی بسیار اهمیت داشته و مورد توجه قلوب انسان‌های هم عصر خود و ایندگان قرار گرفته است؛ مطرح کردن ذوالقرنین بودن وی بحثی تازه است که می‌تواند بر افتخارات دیگر وی افزوده شود.

کورش در برخورد با تمدن بابل از حالت ابتدایی قبیله‌ای آریایی خارج شد. تصاحب یک امپراتوری، تحمل قانون اقتدار خویش بر ملل بی‌شمار، تسلط بر بابل و استقرار پسر و ولیعهد خود به پادشاهی یک ملت چند هزار ساله اما در عین پذیرش این حق برای هر کس که هویت ملی و کیش خویش را حفظ کند، تشكیل یک امپراتوری چندملیتی، اعطای ساختار یک قلمرو واحد با یک سرنوشت مشترک به مجموع کشورها و انسان‌های تحت سلط ایران، القای خواست و میل به اطاعت از شاه بزرگ به همگان، اجبار به پرداخت خراج، تشکیل سپاه از مناطق امپراتوری، دفاع از ساختمان دولت هخامنشی در مقابل هرگونه حمله‌ی خارجی با شورش داخلی و سرانجام سیرین قدرت محلی به افراد مطمئن و بهره برداری از اعتماد ملل آن‌ها، ماندن در جوار اقوام خود در پارس، حفظ خلوص سنت معنوی اجداد خویش، حفظ صلح و دادن مشروعیت به خود به عنوان شاه حامی خدایان، همگی، اقداماتی بود که وی به بهترین شکل ممکن انجام داد.

بعدها توانست ارتشی را بوجود پدید بیاورد که گرچه خصلت یک نیروی ملی را نداشت، اما در خدمت ملتی بود که کورش را «پدر مردم» می‌نامیدند. او از همان آغاز توانسته بود افرادش را مقاعد کند که برای خود و خانواده‌ایشان می‌جنگند